

برگشت از مسیر اشتباه



حسین حقگو
کارشناس اقتصادی

اقتصاد ایران در این روزها و چهار دهه و نیم پس از انقلاب، انقلابی که آرمان آن رفع فقر و نابرابری بود، با سوالات سختی مواجه است. سوالاتی که طی این سال‌ها بدترین پاسخ‌ها بدان‌ها داده شده است. در همین روزهای اخیر ستاد هدفمندی یارانه‌ها از اعطای «کالابرگ فخرانه» تشویقی به دهک‌های یک تا هفت به ارزش حدود ۲۲۰ هزار تومان خبر داد. فعلا دهک‌های اول تا سوم ماهانه ۴۰۰ و چهارم تا نهم ماهانه ۳۰۰ هزار تومان دریافت می‌کنند. این البته به غیر از یارانه‌های ریز و درشت دیگری است که تحت عناوین مختلف به بخش‌هایی از جامعه پرداخت می‌شود. نتیجه این سیاست اما چه بوده است؟ قرارگرفتن یک‌سوم جامعه یعنی حدود ۲۶ میلیون نفر زیر خط فقر، به‌ازای هر سه ایرانی یک نفر فقیر! این سیاست که از اعطای یارانه در ابتدای زنجیره و به‌علاوه ارز و انرژی و سود بانکی ارزان‌قیمت و سرکوب قیمت‌ها آغاز و با اعطای کالابرگ به اکثریت جامعه در انتهای زنجیره ختم می‌شود، بعید است بیش از این بتواند دوام بیاورد. چراکه دولت با کسری‌های شدید مواجه است (کسری حدود ۴۰۰ هزار میلیارد تومانی بوده‌جه سال آینده که موضوع مجادله دولت و مجلس است) و این خود به افزایش نقدینگی و تورم بالا منجر می‌شود و توزیع یارانه‌ها را کاملاً خنثی می‌کند. سؤال سخت دیگر این روزها که در ارتباط با یکی دیگر از مظاهر فقر است، دستمزدهای پایینی است که کفاف مخارج شاغلان را نمی‌دهد. در واقع از بین فقر ذاتی، فقر ناشی از بی‌کاری،

فقر جغرافیایی و فقر ناشی از شوک‌های اقتصادی، گسترده‌ترین فقر اکنون فقر ناشی از شغل‌های با درآمد پایین است. در این مسئله نیز دست و پای دولت بسته‌تر از همیشه است چراکه افزایش دستمزدها متناسب با تورم بالای ۴۰ درصد در شرایطی که اقتصاد، با رشد پایین مواجه است و دولت و شرکت‌های دولتی، کارفرمای اصلی اقتصاداند، ممکن نیست. چراکه منجر به کسری بودجه بیشتر دولت و تورم می‌شود. از سوی دیگر به سبب وجود تحریم‌ها و احتمال شدت‌گیری آنها در سال آینده (افزایش تنش‌های منطقه‌ای و فشار بر خریداران نفت ایران از سوی آمریکا با انتخاب احتمالی دونالد ترامپ و...) عرضه کل، کاهش و در صورت افزایش واقعی دستمزدها، تقاضای کل نیز بالا رفته و به افزایش سرسام‌آور قیمت کالاها و خدمات می‌انجامد. البته افزایش نیافتن دستمزدها به میزان تورم نیز تبعات سنگین اجتماعی در پی دارد و سبب ناراضایی اجتماعی و گسترش فقر خواهد شد. راه خروج از این بحران‌ها، افزایش سرمایه‌گذاری و تولید... است اما چنین تحولی در اقتصادی که چند دهه است به بیراهه رفته، چگونه ممکن است؟! نویسندگان برنده جایزه نوبل اقتصاد در کتاب «اقتصاد خوب برای دوران سخت» با مرور تحولات خوب و بد ۴۰ سال اخیر (تا سال ۲۰۱۹، سال چاپ کتاب) به مواردی همچون: سقوط کمونیسم، صعود چین، نصف‌شدن و دوباره نصف‌شدن فقر در جهان، رشد خطرناک نابرابری، افزایش بی‌سابقه و سپس کاهش ابتلا به ایدز، افت شدید نرخ مرگ‌ومیر نوزادان، گسترش رایانه شخصی و تلفن همراه، آمازون، علی‌بابا، فیس‌بوک، توییتر، گسترش ناسیونالیسم اقتدارگرایانه، فاجعه‌های زیست‌محیطی رو به افزایش و... اشاره می‌کنند و می‌نویسند: «همه این تغییرات اختیاری نبوده است. برخی ایده‌های خوب به طور اتفاقی محقق شدند، تعدادی ایده بد نیز عملی شدند. برخی تحولات تصادفی بودند و برخی نیز پیامد پیش‌بینی‌نشده تحولات دیگر بودند... اما نمی‌توان نقش سیاست را در این تحولات نادیده گرفت. سیاست‌دترتمند است. دولت‌ها آن‌قدر قدرت دارند که تغییرات بسیار ارزشمندی را موجب شوند و آسیب‌های جریان‌ناپذیری را نیز به بار آورند... بار بزرگی از سیاست روی دوش اقتصاد خوب و بد سسنگینی می‌کند» (بنرچی – دوفلو) در واقع قدرت سیاسی (دولت) از طریق اتخاذ

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی شرایط دریافت بسته‌های حمایتی اقلام اساسی را اعلام کرد

جزئیات دریافت یارانه مواد غذایی



● وی با یک سبد خرید

مادران باردار با دارای فرزند شیرخوار که یارانه ۴۰۰ هزار تومانی است، طرح‌هایی است که دولت برای افزایش ارتقای امنیت غذایی آحاد مردم، کودکان تا ۵۹ ماه و مادران باردار و شیرده به مرحله اجرا درآورد. براساس این «طرح کالابرگ الکترونیکی» اولین اقدام دولت بود و بنا بود از سال گذشته آن را به مرحله اجرا دربیاروند؛ اما به دلیل آماده‌نبودن زیرساخت‌های مربوط به این کار، اجرائی‌شدن آن به سال ۱۴۰۲ موکول شد. یارانه نقدی که به دهک‌های یک تا ۹ جامعه‌تعلق می‌گیرد و مبلغ آن افزایش داشت؛ اما به دلایل متعدد این عدد گاهی بر سر سفره مردم نمی‌آمد و برای مسائلی مانند یوشاک، مسکن و... هزینه می‌شد. با این حال دولت می‌گوید که یارانه برای ارتقای امنیت غذایی مردم هدف‌گذاری شده است و تصمیم گرفت با آماده‌سازی زیرساخت‌ها برای طرح «کالابرگ الکترونیکی» شرایطی را مهیا کند که یارانه‌گیران دهک‌های یک تا هفت درآمدی یارانه خود را در صرف خرید سبد غذایی سالم و لازم برای خانواده خود کرده و از این بابت یارانه مضاعف دریافت کنند که به نوعی تشویقی برای خرید خوراک ضروری آنها باشد. این طرح در گام نخست به صورت پایلوت و در یک شهر کار خود را آغاز کرد. زمانی که نتایج بررسی و موانع و مشکلاتی که این طرح می‌توانست داشته باشد رفع شد، کالابرگ الکترونیکی جای خود را در میان مردمی که یارانه دریافت می‌کردند، باز کرد. اکنون تمام افراد دهک یک تا هفت درآمدی که مشمول دریافت یارانه هستند، می‌توانند از طرح کالابرگ الکترونیکی استفاده کنند و دولت اعلام کرده که دسترسی به فروشگاه‌های متصل به شبکه این طرح و دریافت یارانه تشویقی را تسهیل می‌کند.

فروشگاه‌های اینترنتی برای خرید کالابرگی

اکنون حدود ۲۰۰ هزار فروشگاه کوچک، بزرگ و زنجیره‌ای در شهر و روستا در دسترس مردم است تا آنها بتوانند از طریق کالابرگ الکترونیکی خرید خود را انجام بدهند. در گذشته مردم باید حتماً ۲۰۰ هزار تومان از مبلغ کالابرگ خود را از سبد ۱۱ قلم کالا شامل شیر کم‌چرب، پنیر، ماست کم‌چرب، تخم‌مرغ، گوشت، مرغ ماشینی، روغن مایع، ماکارونی، برنج، قند و شکر، حبوبات و گوشت که برای این طرح در نظر گرفته شده بود، خرید می‌کردند تا اعتبار مضاعف

ایده‌های خوب یا بد، روند توسعه‌ای و کاهش فقر و نابرابری و ثروت‌آفرینی را در کشورها رقم می‌زند. در کشورمان آنچه طی این چند دهه تداوم داشته، عدم هماهنگی مسئولیت اقتصادی و اجتماعی دولت (کاهش «فقر» از طریق سیاست‌های اقتصادی و کاهش «فقر» از طریق سیاست اجتماعی) و مبنای قراردادن ایده «قیمت‌محوری» به جای ایده «درآمدمحوری» در نظام حکمرانیی اجتماعی بوده که جامعه ایران را با مخاطرات بسیار مواجه کرده است» (جامعه فراموش‌شده- نیلی، کاویانی، عباسیان- آینده‌نگر- شماره ۱۳۶) در ایده «درآمدمحوری» دولت با عرضه کالای عمومی و ثبات اقتصادی، اقتصاد را پیش‌بینی‌پذیر کرده و هزینه‌های مبادله بنگاه‌ها را پایین می‌آورد و با ایجاد فضای رقابتی و جلوگیری از انحصار، در بنگاه‌ها سود و مازاد اقتصادی ایجاد می‌کند و با فقر مبارزه و امکان تولید ثروت در جامعه را فراهم می‌آورد و با اخذ مالیات و تقویت نظام تأمین اجتماعی به حمایت از «فقرا» و نیازمندان می‌پردازد. در ایده «قیمت‌محوری» اما قدرت سیاسی به اشتباه و به بهانه مبارزه با فقر، از طریق قیمت‌گذاری دستوری، کل جامعه و نه فقط بخش نیازمند را منتفع می‌کند و نه تنها مانع تشکیل نظام تأمین اجتماعی قدرتمند می‌شود و «نان، انرژی، دارو و کالاهای اساسی نه تنها برای جمعیت نابرخوردار و کمتر‌برخوردار بلکه حتی برای برخی از کشورهای اطراف هم مورد استفاده قرار می‌گیرد» (همان) بلکه با افزایش هزینه‌ها، منجر به ناتوانی دولت و کسری بودجه و تورم می‌شود و با ممانعت از حرکت آزاد اقتصاد سبب تضعیف رشد و توسعه بنگاه‌های اقتصادی و ایجاد فساد و رانت و... به واسطه چندرنخی شدن کالاها و خدمات و... می‌شود و عملاً نرخ فقر و تعداد فقرا را افزایش می‌دهد. در واقع «سه بازیگر اقتصاد، یعنی بنگاه، دولت و قشر فقیر هر سه بازنده می‌شوند و تنها برنده این اتفاق آتیهایی هستند که به این چندقیمتی‌ها دسترسی پیدا می‌کنند و می‌توانند از آنها استفاده کنند» (همان).

بازگشت از مسیر اشتباه فعلی و برخورداری همه بازیگران از منفعت اقتصادی مناسب و کاهش فقر و نابرابری یقیناً بسیار سخت و پرهزمت است اما قابل قیاس با بی‌سرانجامی تداوم این مسیر نیست.

سقف اعتبار تشویقی بود. به‌این‌صورت که اگر فردی در گذشته ۴۰۰ هزار تومان یارانه دریافت می‌کرد، اگر این مبلغ را از فروشگاه‌های متصل به شبکه کالابرگ و از سبد ۱۱ قلم کالای ضروری خریداری کند، می‌تواند یارانه خود را به بیش از ۶۰۰ هزار تومان برساند. در گذشته در این سبد کالایی گوشت منجمد گوساله تعریف شده بود که اکنون گوشت گرم نیز به آن اضافه شده است. نکته مهم طرح کالابرگ الکترونیکی این است که با هدف افزایش یارانه مردم و ترغیب آنها به خرید از سبد کالایی تعریف‌شده آنها را در دریافت یارانه نقدی دچار هیچ مشکلی نمی‌کند و افراد می‌توانند برای یارانه خود تصمیم بگیرند.

شارژ اعتبار یارانه‌ای در حساب مشمولان

طرح جدید کالابرگ الکترونیکی که به طرح فخرانه شناخته می‌شود، همراه با یارانه نقدی به مدت سه ماه (از دی‌ماه‌هشت ۱۴۰۳) در حساب افراد شارژ می‌شود. اگر در هر ماه افراد از این طریق خرید کنند، یارانه مضاعف را دریافت می‌کنند؛ اما اگر خریدی از طریق کالابرگ انجام نشود، یارانه آن ماه حذف می‌شود و فرد باید برای ماه دیگر خرید را انجام دهد تا یارانه مضاعف را دریافت کند. همچنین امکان استفاده از این یارانه به صورت کاملاً ساده و آسان در دسترس برای تمام مردم در دهک‌های درآمدی یک تا هفت جامعه وجود دارد و دولت از سرپرستان می‌خواهد حتماً از این امکان استفاده کرده و تمام مبلغ یارانه مضاعف را در ماه برای خانواده خود هزینه کنند.

وزیر تعاون و معاون امور اقتصادی او بارها اعلام کرده‌اند برای شارژ اعتبار مضاعف در یارانه‌ها هیچ محدودیتی وجود ندارد.

براساس طرح کالابرگ الکترونیکی، اعتبار یارانه برای همه یارانه‌گیران در دهک‌های اول تا هفتم جامعه که ۶۱ میلیون نفر را شامل می‌شود، وجود دارد و آنها می‌توانند با مراجعه به بیش از ۲۰۰ هزار فروشگاه، کالاهای مدنظر خود را خریداری کنند. مشمولان با نصب برنامه شبکه ملی اعتبار «شما» می‌توانند فروشگاه‌های نزدیک محل سکونت را شناسایی کرده و برای خرید ۱۱ قلم کالای اساسی به این مراکز خرید مراجعه و برای استعلام از مانده حساب کد دستوری #۱۴۲۳*۵۰۰۱ را شماره‌گیری کنند.

سبد کالایی شامل چه اقلامی است؟

سبد کالایی که برای این‌ طرح در نظر گرفته شده است، ۴۲۳ هزار و ۷۵۰ تومانی قیمت دارد. حجم کالاها به ازای هر فرد سه لیتر شیر کم‌چرب، پنیر ۴۰۰ گرمی، ماست کم‌چرب ۲۵۰ کیلوگرمی، تخم‌مرغ یک کیلو، گوشت مرغ یک کیلو، روغن مایع یک بسته ۸۱۰ گرمی، ماکارونی یک بسته ۷۰۰ گرمی، برنج دو کیلو، قند و شکر یک کیلو و گوشت نیم‌کیلو است. افراد مشمول دهک یک تا هفت درآمدی به واسطه طرح کالابرگ الکترونیکی می‌توانند به بیش از ۲۰۰ هزار فروشگاه‌های که در شبکه «شما» معرفی شده و اکنون فاصله فروشگاه‌ها از محل سکونت تا منازل افراد حتی به ۵۰۰ متر رسیده است، مراجعه کنند و از میان آن ۱۱ قلم کالایی که در سبدی مشخص تعریف شده، خرید ماهانه خود را انجام دهند و یارانه تشویقی نیز دریافت کنند. به طور مثال یک خانواده پنج‌نفره در دهک یک تا سه، مبلغ ۴۰۰ هزار تومان به ازای هر عضو خانواده یارانه دریافت می‌کنند که میزان کل یارانه نقدی را به دو میلیون تومان می‌رساند.

اگر خرید این خانواده از طریق کالابرگ الکترونیکی و از طریق فروشگاه‌های اینترنتی یا فروشگاه‌های حضوری معرفی شده انجام شود، یارانه هر عضو خانواده می‌تواند تا سقف ۲۲۰ هزار تومان افزایش یابد. از آنجایی که شرط سقف خرید ۲۰۰ هزارتومانی نیز برادشه شده، کافی است فرد به فروشگاه متصل برود و یک بسته پنیر کم‌چرب بخرد و آن را با اعتبار کالابرگی خود پرداخت کند. یارانه آن پنیر به شکر آلی در حساب اعتباری او شارژ می‌شود. به‌همین‌صورت اگر خریده‌ای خود را ادامه دهد تا پایان ماه مشمول یارانه ۲۲۰ هزارتومانی مضاعف برای هر عضو خانواده می‌شود.

می‌دهد، پیری جمعیت شاخص منفی نیست که اگر بتوانیم، بخواهیم آن را تغییر دهیم. رفاه باعث افزایش سن طبیعی بشر می‌شود که از ایدئال‌های بشر است. باید شرایط زندگی خوب در کهن‌سال‌های فراهم‌شود تا هزینه اضافی ناشی از مسائل روحی، جسمی و اجتماعی کهن‌سالان، گریبان جامعه، اقتصاد، خانواده و جمعیت فعال کشور را نگیرد. بهبود اقتصاد، به‌ویژه در بخش اشتغال، باعث تعدیل خودبه‌خودی جمعیت می‌شود. جابه‌جایی جمعیت، از مگانیسم‌های نوین در تعدیل‌های موقتی جمعیت کشور‌هاست.

سیاست‌های دستوری و سخت‌گیرانه جمعیت، آثار سوء احتمالی دیگری هم دارد که نظر کارشناسان هر بخش را می‌طلبد. پیامدهای اجتماعی فرزندهای ناخواسته، افزایش سقط‌های غیرقانونی، تغییر ترکیب جمعیت در بخش‌های توسعه‌یافته و توسعه‌یافته و دیگر چالش‌های اجتماعی، بهداشتی و پزشکی، از این دست هستند.

ادامه از صفحه اول

بهره‌مندی زنان از قانون حداقل مزد در ایران

در قانون کار ایران نیز بر تعیین حداقل مزد برای تضمین حداقل معیشت برای خانوارهای کارگری تأکید شده است؛ ولی همواره شمار کثیری از نیروی کار، به‌ویژه زنان کارگر، مزدی کمتر از حداقل قانونی دریافت می‌کنند. در سال ۱۴۰۱ تعداد زنان فعال ۴٫۳ میلیون نفر بوده که ۱۶٫۶ درصد از کل جمعیت فعال کشور (۲۶٫۱ میلیون نفر) را تشکیل داده است. این سهم ناچیز به دلیل پایین‌بودن نرخ مشارکت زنان است. در سال ۱۴۰۱ از هر صد زن بالای ۱۵ سال کمتر از ۱۴ نفر وارد بازار کار شده‌اند. در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا ایران یکی از پایین‌ترین نرخ‌های مشارکت زنان را دارد. و با وجود افزایش شمار زنان دارای تحصیلات عالی، این نرخ در فاصله سال‌های ۱۳۹۰-۱۴۰۱ از ۱۴٫۸ درصد به ۱۳٫۶ درصد کاهش یافته که عمدتاً ناشی از دشواری یافتن شغل مناسب برای زنان تحصیل‌کرده است. همواره نرخ بی‌کاری زنان بیش از دو برابر مردان است؛ بنابراین زنانی که قادر به یافتن کار با مزد مناسب نیستند، در بسیاری مواقع به ناگزیر می‌پذیرند که با مزدهای پایین کار کنند؛ ولی باید در نظر داشت که بازار کار برای زنان با سطوح مختلف تحصیلی و مهارتی شرایط یکسانی ندارد.

زنان بی‌سواد و کم‌سواد که بیش از ۲۰ درصد جمعیت زنان فعال را تشکیل می‌دهند، دارای اشتغال کامل هستند و نرخ بی‌کاری آنها بسیار پایین است. بخشی از این افراد که به کارهای خانگی مانند نظافت، مراقبت از کودکان، بیماران و سالخوردگان مشغول‌اند، مزد نسبتاً بالایی (عموماً بیش از حداقل قانونی) دریافت می‌کنند که نشانگر عرضه کم و تقاضای مازاد است. در شهر بایلسر برای نظافت منزل مزد روزانه یک کارگر زن برای هشت ساعت کار حدود ۵۰۰ هزار تومان است. مشکل اصلی بی‌کاری زنان مربوط به افراد دارای مدارک دانشگاهی (کاردرانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد) است، این گروه که بیش از ۵۲ درصد جمعیت زنان فعال ایران را تشکیل می‌دهند، عموماً حاضر به انجام کارهای خانگی نیستند و پس از مدتی جست‌وجو برای یافتن شغل مناسب نهایتاً کار در فروشگاه‌ها، مطب پزشکان و حتی واحدهای تولیدی یا مزدهای کمتر از حداقل قانونی را می‌پذیرند. با توجه به شمار کثیر زنان تحصیل‌کرده در جست‌وجوی کار قانون حداقل مزد تأثیر بسیار محدودی برای این گروه دارد. بسیاری از واحدهای تولیدی و خدماتی کوچک و متوسط به استخدام موقت زنان با مزد پایین و بدون پوشش بیمه اقدام می‌کنند.

در شهرستان‌ها اکثر فروشگاه‌های لباس بعدازظهر از ساعت ۱ تا ۴ تعطیل هستند؛ ولی نیروی کار عملاً از ساعت ۹ صبح تا ۱۰ شب در فروشگاه می‌مانند تا در هزینه رفت‌وآمد صرفه‌جویی کنند. این فروشگاه‌ها عموماً دختران جوان را برای مدت سه تا چهار ماه استخدام می‌کنند تا از مشکل پرداخت حق بیمه فرار کنند. شمار کارکنان در فهرست بیمه‌ای که به ناگزیر تنظیم می‌کنند، بسیار کمتر از تعداد واقعی است و در برخی مواقع هزینه بیمه را نیز از حقوق نیروی کار به طور کامل کسر می‌کنند. و در هنگام استخدام کارفرما نامه‌ای از متقاضی کار دریافت می‌کند که همه حقوق خود را گرفته و شکایتی ندارد.

واحدهای بزرگ نیز به استفاده از نیروی کار ارزان زنان به صورت کارمزدی، بدون پرداخت اضافه‌کاری، بیمه، عیدی و سنوات روی آورده‌اند. برخی از کارخانه‌ها بخشی از عملیات مونتاژ را به زنان خانه‌دار واگذار کرده‌اند. در مشاغل خدماتی و در فروش کالاها و خدمات، قرارداد کارمزدی (درصدی از میزان فروش) منعقد می‌کنند. به‌عنوان مثال در شرکت‌های بیمه بخش اعظم کارکنان زن هستند که به میزان فروش بیمه نامه کارمزد می‌گیرند و از مزد ثابت و بیمه خبری نیست. این افراد هزینه‌های ایاب و ذهاب، موبایل و اینترنت را خود می‌پردازند و برای کار نسبتاً سخت و طولانی عموماً درآمد خالصی کمتر از مزد قانونی دارند.

بخشی از زنان تحصیل‌کرده در مدارس غیرانتفاعی، آموزشگاه‌ها و دانشگاه‌ها به صورت ساقتی با مزدهای بسیار پایین کار می‌کنند. حتی در برخی دانشگاه‌های دولتی حق‌التدریس مدرس دارای مدرک دکترای ساعتی ۴۰ هزار تومان است (بسیار کمتر از یک نوظف‌تجی ساعتی ۷۰ هزار تومان مزد می‌گیرد). به‌علاوه پرداخت حق‌التدریس نامنظم است. بسیاری از زنان دارای دکترای تخصصی سال‌ها به کار حق‌التدریس ادامه می‌دهند؛ چون فرصت شغلی دیگری پیدا نمی‌کنند. وضع در مدارس غیرانتفاعی و واحدهای علمی –کاربردی و آموزشگاه‌ها بدتر است. به‌این‌ترتیب شمار فراینده‌ای از زنان تحصیل‌کرده به‌هیچ‌وجه قادر به کسب حداقل مزد قانونی نیستند. در فاصله سال‌های ۱۴۰۰-۱۴۰۱ افزایش شمار شاغلان زن (۱۵۳ هزار نفر) بسیار بیشتر از افزایش تعداد شاغلان مرد (۸۹ هزار نفر) بوده است. وضعیت نامطلوب اقتصادی در رشد اشتغال بسیار پایین اشتغال انعکاس یافته است و افزایش سریع‌تر شمار شاغلان زن، نشان‌دهنده گرایش کارفرمایان به بهره‌گیری بیشتر از نیروی کار ارزان زنان در شرایط سخت اقتصادی است. در جایی که عرضه بیش از تقاضا و مزد پایین‌تر است، فرصت‌های شغلی بیشتری ایجاد شده است. شواهد تجربی نشان می‌دهد که بخش بزرگی از زنان شاغل قادر به دریافت حداقل مزد قانونی نیستند و نهادهای متولی اجرای قانون کار نیز با توجه به وضعیت نامناسب بازار کار، تمایلی به سخت‌گیری ندارند. تا زمانی که اقتصاد ایران گرفتار وضعیت رکود و تورمی است، قانون حداقل مزد قادر به حل‌کردن مشکل مزد پایین زنان، به‌ویژه زنان تحصیل‌کرده نیست. صرفاً با بهبود شرایط اقتصادی همراه با تقویت تشککل‌های کارگری می‌توان با این چالش مقابله کرد.

● عضو هیئت علمی بازنشسته دانشگاه مازندران

بحران‌های خاورمیانه و بازار نفت

۴- فعالان بازار نفت مطلع هستند که سیاست عمومی دولت بایدن در سال انتخابات اجتناب از هر اقدامی است که بتواند موجب افزایش بهای نفت در بازار جهانی و بهای بنزین در آمریکا شود. سوالاتی که این زمینه مطرح است، این است که آیا ممکن است دولت بایدن تحت تأثیر فشارهای جمهوریخواهان دست به اقداماتی برای اِعمال سخت‌گیرانه تحریم نفتی علیه ایران بزند یا خیر. ۵- شناورهای برخی کشورها مانند چین و روسیه از شمول حملات هوئی‌ها خارج‌اند. عربستان همچنان می‌تواند نفت خود را از دریای سرخ و کانال سوئز صادر کند، ضمن اینکه آتش‌بس سعودی‌ها و امارات با حوثی‌ها و شرکت‌نکردن عربستان و امارات در ائتلاف دریایی آمریکا ممکن است موجب مصونیت کشتی‌های سعودی و اماراتی از حملات شده باشد.

علم ناتمام در سیاست‌های جمعیتی

سیدحسن مرتضوی کیاسری؛ بررسی آثار سیاست‌های جمعیتی نشان می‌دهد این سیاست‌ها نه تنها علاج پیری جمعیت نیست که نتیجه‌های ویرانگر خواهد داشت. ریشه این سیاست‌ها، نگاه قابل نقد کارکردی و فایده‌گرا به جمعیت کهن‌سال است. پیری جمعیت در گام نخست، نیازمند تمهیداتی برای آسایش کهن‌سالان است. حتی تمهیداتی برای بهره‌گیری از این جمعیت، می‌تواند در برنامه‌ریزی‌ها باشد. سیاست‌های اعلامی دولت، حتی در چارچوب فایده‌گرایی هم اثربخش نیست. آثار این سیاست‌ها باعث می‌شود همراه با افزایش جمعیت کهن‌سالان، جمعیت نامولد نیز ۲۰ سال هم زیاد شود. چه در سطح خانوار، چه در سطح ملی، هزینه‌های این قشر، بسیار بیشتر از هزینه کهن‌سالان است. ازاین‌رو جمعیت فعال دهه‌های بعد، به‌هم‌زمان ریز بار هزینه دو قشر غیرفعال با سلبای و مخارج متفاوت می‌افتد. در نبود معضل اشتغال، با بهره‌گیری از تکنولوژی و

جایگزینی ترکیب تولید «سرمایه‌بر» جای ترکیب «کاربر» تا حدودی این بحران مهار

می‌شود. اما چنین زمینه‌ای قابل پیش‌بینی نیست، متولدین پشمار ناشی از این سیاست‌ها، بین ۵۰ تا ۵۰ سال آینده، جزء جمعیت فعال می‌شوند. سپس آنها هم وارد کهن‌سال‌ی می‌شوند. یعنی پس از چند دهه جوانی جمعیت، دوباره پیری بسیار شدیدتر سراغ ترکیب جمعیت می‌آید. جوان‌کردن این ترکیب جمعیت با شمار بالای کهن‌سالان مساوی با انفجار جمعیت است. ضمن اینکه تضمینی نیست که خود این متولدین و فرزندان آنها ادامه‌دهنده سیاست‌های کنونی باشند. قطع این سیاست‌ها باعث پیری مفرط جمعیت می‌شود و ادامه این روند فرزندآوری، باعث انفجار جمعیت می‌شود. بنابراین سیاست‌های موفق جمعیتی، گزینه‌ای کارآمدتر و بدون عوارض بلندمدت است. بهره‌گیری از این گزینه که ابزاری فراملی است، نیازمند سیاست‌های اقتصادی است. روند معاصر هم نشان